

جنايات عليه بشریت در حقوق بین الملل

فاطمه امیر سلیمانی^۱، محمد ستایش پور^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار حقوق بین الملل، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

مفهوم زندگی در دنیای کنونی با جنگ و ستیز و زورگویی و تضییع حق بشریت گره خورده و فقط قانون می تواند در برابر این نا برابری تا حدودی بایستد. جوامع توسعه یافته و در حال پیشرفت و مستعمره یا تحت سلطه و غیره نیز از این مساله مصون نیستند و به جرات می توان گفت که برای رسیدن به یک صلح جهانی باید قوانینی در جهت حفظ امنیت و صلاح جوامع بشریت وضع شود تا میزان جرایم را کاهش دهد. گرچه سازمان ملل و سازمان حقوق بشر همچنان در مورد قوانین ناقص و رفع آن با بسیاری از کشورها در تامل است اما امید است در آینده برای زیستن بهتر این مهم به سرانجام برسد، تا نسل های آینده کمتر دچار آسیب های ملی و جنسی و اجتماعی و غیره شوند. متجاوزین با تجاوز به حریم شخصی و تجاوز به محل سکونت و همچنین نقض برخی از قوانین انسانی باعث شده تا عده ای به طور جدی آسیب ببینند و عده ای نیز از این آسیب ها بهره ببرند. لذا نبرد با این مافیای جهانی می تواند مسیر را برای رسیدن به هدف سخت و گاهاً دشوار نماید و امید است در آینده با تثبیت قوانین بهتر به نتیجه بهتر رسید.

واژه های کلیدی: جنایت، حقوق بین الملل، سازمان ملل بشریت، قوانین

مقدمه

چهارچوب قانونی اصل حقوقی پیرامون جنایات علیه بشریت از زمان به رسمیت شناخته شدن آنها تکامل یافته است. در طول دادگاه نونبرگ هسته اصلی اساسنامه رم دادگاه کیفری بین المللی ICC این سند به تشریح تعاریف، عناصر و مرزهای قضایی برای تغییر جنایات علیه بشریت در مقیاس جهانی می‌پردازد. اساسنامه رم که در سال ۱۹۹۸ تصویب شد و در سال ۲۰۰۲ به اجرا درآمد، دادگاه بین المللی کیفری را به عنوان دادگاهی برای پاسخ به جنایات شدید بین المللی، از جمله جنایات علیه بشریت، تأسیس کرد. ماده ۷ اساسنامه رم، جنایات علیه بشریت را به عنوان اعمالی که به عنوان بخشی از حمله ای که هر جمعیتی را هدف قرار می‌دهد تعریف می‌کند. (Bassiouni, 1999)

چهارچوب قانونی شریح شده در اساسنامه رم معیارهایی را مشخص می‌کند که برای یک اقدام باید رعایت شود علیه بشریت جرم تلقی شود. این معیارها شامل اقداماتی مانند قتل، نابودی، بردگی، شکنجه و سایر اشکال رفتار می‌شود. علاوه بر این، این امر ایجاب می‌کند یک حمله سازمان یافته وجود دارد که غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهد. اساسنامه همچنین بر اهمیت مسئولیت پذیری با تأکید بر اینکه افراد می‌توانند در قبال اعمال خود مسئول شناخته شوند. علاوه بر این، کنوانسیون‌ها، معاهدات، دادگاه‌های منطقه‌ای دادگاه‌های موقت نیز جرائم علیه آن‌ها می‌پردازند.

یکی از اسباب پذیر ترین بخش در این بحث، بحث انسانیت است زیرا انسانیت این ابزار به طور جمعی به ایجاد یک سیستم با هدف کمک می‌کنند.

برای جلوگیری از معافیت از مجازات برای اعمال شنیع در این بخش از جنایات بشریت را بررسی می‌کنیم همچنین به پیچیدگی و برخی از انواع جنایات علیه بشریت و حقوق بین الملل نیز به طور خلاصه اشاره خواهیم کرد.

حقوق کیفری بین المللی

حقوق کیفری بین المللی ریشه در تمدن‌ها ی باستانی دارد، زمانی که روابط بین ملت‌ها و افراد توسط قوانین و مفاهیم عرفی کنترل میشد. با این حال، ساختار فعلی حقوق کیفری بین المللی تا پس از جنگ جهانی دوم شروع به شکلگیری نکرد.

پس از جنگ جهانی دوم، محاکمات نورنبرگ و توکیو سابقه ای را برای محاکمه بین المللی جنایات جنگی، جنایات علیه صلح و جنایات علیه بشریت ایجاد کردند. این ایده که افراد ممکن است برای جنایات خود مستقل از وضعیت رسمی یا وفاداری دولتی خود تحت تعقیب قرار گیرند، توسط این موارد ایجاد شده است. جنایات انجام شده در طول جنگ جهانی دوم الهام بخش جامعه بین المللی برای پایان دادن به معافیت از مجازات و پاسخگویی ناقضان جدی حقوق بشر بود. با تعریف نسلکشی به عنوان یک جنایت بر اساس قوانین بین‌المللی و الزام دولت‌ها به پیشگیری و مجازات آن، کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸ که توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، بر اساس میراث دادگاه‌ها ی نورنبرگ و توکیو بنا شد. با تحولات بعدی مانند کنوانسیون‌ها ی ژنو و ایجاد دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، دامنه حقوق کیفری بین‌المللی برای پوشش طیف وسیعتری از جنایات، از جمله نسلکشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت بیشتر شد. و دادگاه کیفری بین المللی رواندا نقطه عطفی در توسعه حقوق کیفری بین المللی، ایجاد دیوان کیفری بین المللی (ICC) در سال ۲۰۰۲ بود.

بشریت، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت. (Khan et al. S. 2023) و جنایات تجاوز. تأسیس آن با ارائه ساختاری بلند مدت برای محاکمه مجرمان جنایات فراملی به عدالت و جبران غرامت به قربانیان، تغییر جهت را به سمت رویکردی دقیقتر و روشمندتر به مسئولیت نشان داد. اصل تکمیلی، که بر این باور است که دادگاه‌ها ی ملی صلاحیت اولیه را در مورد جرایم بین المللی دارند و دیوان کیفری بین المللی تنها زمانی وارد عمل می‌شود که دولت‌ها قادر به تعقیب کیفری نیستند یا مایل به تعقیب آن نیستند، یکی از اصول اساسی حقوق کیفری بین المللی است. صرف نظر از ظرفیت رسمی یا وابستگی دولتی، افراد

می توانند بر اساس اصل مسئولیت کیفری فردی در قبال فعالیت های خود بر اساس قوانین بین المللی پاسخگو باشند. حقوق کیفری بین المللی مفهوم صلاحیت جهانی را تصدیق میکند، که به کشورها اجازه میدهد علیه افراد برای جرائم خاص، مانند جنایات جنگی و نسل کشی، بدون در نظر گرفتن کشور قربانی یا مجرم یا محل وقوع جرم، اتهامات کیفری مطرح کنند.

حقوق کیفری بین الملل علیرغم پیشرفت هایش، در معرض موانع و انتقادات مختلفی است. اینها شامل اعمال گزینشی عدالت، مداخله سیاسی و صلاحیت محدود است. به ویژه دیوان کیفری بین المللی به دلیل تعصب علیه دولت های آفریقایی و ناتوانی در طرح پرونده هایی علیه افراد با نفوذی که در حیطه اختیارات آن نیستند، مورد انتقاد قرار گرفته است. پیگرد قانونی افراد به ویژه سران کشورها به دلیل جنایات بین المللی به دلیل رعایت اصول حاکمیت دولت و مصونیت دیپلماتیک با چالش های مهمی مواجه است. یک نقطه عطف مهم در جستجوی مستمر بشریت برای عدالت و مسئولیت در مواجهه با جنایات فاحش حقوق بشر توسط حقوق کیفری بین المللی نشان داده شده است. علیرغم این واقعیت که پیشرفت های زیادی در پاسخگویی به جرائم ارتكابی در زمان درگیری انجام شده است، هنوز مشکلاتی در تضمین اجرای کارآمد و اجرای قوانین کیفری بین المللی وجود دارد. توسعه حقوق کیفری بین المللی تا زمانی که جامعه بین المللی با مسائل بی عدالتی و معافیت از مجازات مبارزه کند، به عنوان یک جبهه حیاتی در مبارزه برای جهانی عادلانه تر و صلح آمیزتر باقی خواهد ماند.

هسته اصلی حقوق و سیاست بین الملل مدرن، تضاد بین مطالبات برای پاسخگویی در مورد نقض جدی حقوق بشر و نگرانی در مورد حاکمیت است. اگرچه اصل حاکمیت برای نظام بین الملل اساسی است، زیرا از خود مختاری و استقلال دولت ها محافظت می کند، جنایاتی که به نام قدرت دولتی انجام می شود، نیازمند سازوکارهای پاسخگویی قوی است تا حقوق قربانیان برای عدالت تضمین شود و از معافیت مجرمان جلوگیری شود. بر اساس منشور ملل متحد، حاکمیت به ملت ها کنترل انحصاری بر امور داخلی خود می دهد و تضمین می کند که در امور داخلی سایر کشورها دخالتی نشود. اساس نظام دولت-ملت معاصر را تشکیل می دهد و چارچوبی را برای دولت ها ارائه می دهد تا در هماهنگی و احترام با یکدیگر زندگی کنند. دولت ها برای حفظ استقلال خود نیاز به حاکمیت دارند و بتوانند برنامه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود را بدون دخالت نیروهای خارجی دنبال کنند. این به مردم پایه ای برای تعیین سرنوشت و احساس هویت ملی می دهد و دولت ها را قادر می سازد تا سرنوشت خود را مطابق با خواسته ها و اهداف مردم خود رقم بزنند.

حقوق بین الملل با تاکید بر اینکه افراد می توانند در قبال اعمال خود بر اساس قوانین بین الملل، بدون توجه به نقش رسمی یا عضویت دولتی، پاسخگو باشند، اصل مسئولیت فردی در قبال نقض فاحش حقوق بشر را تصدیق میکند. این اصل بر این تصور استوار است که عدالت مستلزم پاسخگویی مجرمان برای جرائم خود و پرداخت غرامت به قربانیان است.

رویه های پاسخگویی برای تضمین مصونیت از مجازات برای کسانی که مرتکب نقض جدی حقوق بشر می شوند ضروری است. نمونه هایی از این سیستم ها عبارتند از کمیسیون های حقیقت و دادگاه های جنایی بین المللی. این رویه ها به بازگرداندن عدالت، ترویج صلح و توقف جنایات در آینده با کشاندن مسئولین به عدالت و افشای حقیقت در مورد جنایات قبلی کمک می کند. کشورها اغلب از دفاع از حاکمیت برای جلوگیری از بازرسی بیرونی و مداخله در امور داخلی خود، به ویژه در مواجهه با اتهامات نقض حقوق بشر استفاده می کنند. اعتقاد بر این است که حاکمیت به عنوان مانعی در برابر نفوذ خارجی عمل می کند و از کشورها در برابر انتقاد و فشار بیرونی محافظت می کند. با توجه به پتانسیل دولت ها برای امتناع از همکاری

ی با سیستم های پاسخگویی بین المللی یا استفاده از سپرهای دیپلماتیک یا قانونی برای محافظت از ناقضان حقوق بشر در برابر پیگرد قانونی، مسائل مربوط به حاکمیت میتواند پاسخگو کردن افراد مسئول نقض جدی حقوق بشر را دشوارتر کند. سیستم فئودالی اروپای قرون وسطی قدرت را غیرمتمرکز کرد و اربابان فئودال بر قلمروهای خود اقتدار داشتند. حاکمیت تکه تکه شده بود و مکانیسم های پاسخگویی بسته به قرارداد فئودالی بین اربابان و واسال ها متفاوت بود. از لرد ها انتظار میرفت که از رعایای خود محافظت کنند و عدالت را در قلمرو خود اجرا کنند. مفهوم حق الهی پادشاهان در طول دوران ظهور قرون وسطی، ادعا می کرد که پادشاهان اقتدار خود را مستقیماً از خدا می گرفتند و فقط در برابر قضاوت الهی مسئول بودند. در حالی که این دکتین حاکمیت پادشاهان را تقویت می کرد، همچنین زمینه را برای چالش با اقتدار مطلق و ادعای حقوق فردی فراهم کرد. معاهده وستفاليا در سال ۱۶۴۸ سرآغاز سیستم مدرن دولت ملت بود که اصول حاکمیت دولت و تمامیت ارضی را تثبیت کرد. حاکمیت به دولت های دارای حاکمیت اختصاص داشت که از اختیارات انحصاری بر امور داخلی خود برخوردار بودند و در روابط بین الملل به عنوان یکسان شناخته میشدند. توازن قوا در میان دولت های اروپایی در اوایل دوره مدرن، مفاهیم حاکمیت مطلق را تعدیل کرد، زیرا دولت ها به دنبال حفظ ثبات و جلوگیری از هژمونی از طریق اتحاد و دیپلماسی بودند. مکانیسم های پاسخگویی اغلب غیررسمی و موردی بودند و دولت ها گهگاه برای اعمال هنجارهای رفتاری مداخله می کردند.

دوران استعمار و امپریالیسم شاهد گسترش قدرت های اروپایی به آفریقا، آسیا و قاره آمریکا بود که اغلب به هزینه ی جمعیت های بومی تمام می شد. حاکمیت به طور انتخابی اعمال می شد، با قدرت های استعماری که بر سرزمین های فتح شده اقتدار میکردند در حالی که خودمختاری و پاسخگویی به رعایای استعماری را انکار می کردند. مشخصه حکومت استعماری نقض گسترده حقوق بشر از جمله کار اجباری، یکسان سازی فرهنگی و خشونت علیه جمعیت های بومی بود. پاسخگویی برای این سوء استفاده ها محدود بود، زیرا قدرت های استعماری بدون مجازات عمل می کردند و در برابر نظارت خارجی مقاومت می کردند.

ویرانی های جنگ جهانی اول منجر به درخواست برای ایجاد نهاد های بین المللی برای جلوگیری از درگیری های آینده و ارتقای صلح و امنیت شد. جامعه ملل در سال ۱۹۱۹ تأسیس شد و اولین تلاش برای نهادینه کردن اصول امنیت جمعی و همکاری بین المللی بود. جنایات جنگ جهانی دوم، از جمله هولوکاست و سایر جنایات جمعی، بر نیاز به پاسخگویی در مورد نقض شدید حقوق بشر تأکید کرد. محاکمات نورنبرگ و توکیو اصل مسئولیت فردی برای جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را ایجاد کردند و زمینه را برای حقوق کیفری بین المللی مدرن فراهم کردند.

(معنی واژه هژمونی)

^۱ قِرادستی، سلطه‌گری، سلطه، یا هِژمونی (به فرانسوی) Hégémonie: مفهومی است برای توصیف و توضیح نفوذ و تسلط یک گروه اجتماعی بر گروهی دیگر، چنان‌که گروه مسلط (قِرادست) (درجه‌ای از خشنودی گروه تحت سلطه) قُروِدت (را به‌دست می‌آورد و با «تسلط داشتن به دلیل زور صرف» فرق دارد).^۱ هِژمونی تسلط یا کنترل سیاسی، اقتصادی یا نظامی یک دولت بر دیگران است در معنی کلی‌تر نفوذ و تسلط یک جمع یا نهاد بر یک جامعه.

به‌طور کلی این واژه به مفهوم تسلط و برتری است که عبارت است از چیره‌دستی و نفوذ بیشتر در امور دیپلماسی و روابط دیپلماتیک بین دولت‌ها. برخی از پژوهشگران در حیطهٔ نفوذ نظامی نیز این واژه را به کار برده‌اند، مانند نفوذ نظامی ایالات متحده در جهان در سده بیست و یکم.

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با هدف پیشبرد امنیت و صلح جهانی، تشویق همکاری دولت به دولت و حمایت از آزادی های اساسی و حقوق بشر تأسیس شد. منشور ملل متحد ضرورت اقدام جمعی را برای مقابله با تهدیدات علیه صلح و امنیت و در عین حال تأکید مجدد بر مفاهیم حاکمیت ملی و تمامیت ارضی به رسمیت شناخته است. بنیاد حقوق بشر معاصر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، که آرمان های برابری، کرامت و حقوق فردی را تثبیت کرد، تأسیس شد. حقوق بین الملل مسئولیت پاسخگویی افراد را در مورد نقض حقوق بشر در اولویت قرار داده است و سازمان ملل متحد در مراقبت و پاسخگویی به تخلفات ضروری است.

روابط بین الملل در نیمه دوم قرن بیستم توسط رقابت جنگ سرد بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت، با مبارزات ایدئولوژیک و اهداف ژئوپلیتیکی که غالباً بیش از نگرانی های مربوط به حقوق بشر مقدم بود. حتی در مواجهه با نقض جدی حقوق بشر، عدم مداخله در امور داخلی یک دولت با ادعای حاکمیت توجیه می شد. جنبش های حقوق بشر در طول جنگ سرد با مخالفت با رژیم های استبدادی و دعوت به مسئولیت در قبال نقض حقوق بشر مورد توجه قرار گرفتند. اجماع جهانی فزاینده در مورد اهمیت حقوق بشر و مسئولیت پذیری در توافقنامه هلسینکی در سال ۱۹۷۵ و ایجاد کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ منعکس شد.

ایده حاکمیت حقوق و تعهدات دولت ها را در نظام بین الملل شکل داده است و از زمان امپراتوری های باستانی تا دولت-ملت های امروزی برای ساختار سیاست بین الملل ضروری بوده است. یک اصل اساسی حقوق بین الملل، پاسخگویی در قبال نقض جدی حقوق بشر است که نشان دهنده تلاش جمعی بشر برای توقف مصونیت از مجازات و حفظ عدالت در مواجهه با فجایع است. برای درک کامل پیچیدگی های روابط بین الملل مدرن و پیگیری مستمر نظم جهانی عادلانه تر و صلح آمیزتر، درک پیشینه تاریخی حاکمیت و مسئولیت پذیری ضروری است. با وجود این ابتکارات، وحشت های جنگ جهانی اول کاستی های استاندارد های قانونی فعلی و نیاز به اقدامات قویتر برای جلوگیری از جنایات و جنایات در طول جنگ را آشکار کرد. کمیسیون ورسای تلاش کرد تا افراد را در قبال جنایات جنگی و تجاوزات پس از جنگ جهانی اول مسئول بداند، اما محاکمه اولیه جنایات جنگی به دلیل عوامل سیاسی و عدم وجود یک چارچوب قانونی کامل محدود شد. تلاش های بین المللی برای پاسخگویی به جنایتکاران جنگی و عاملان نسلکشی به دلیل وحشت جنگ جهانی دوم، به ویژه هولوکاست و دیگر قتل های جمعی آغاز شد.

پیامدهای حقوق بشر

پیامدهای حقوق بشر: جنایاتی که به عنوان مثال علیه بشریت طبقه‌بندی می‌شوند، شامل: نقض حقوق و ایجاد رنج می‌شوند که در این بخش از بحث به مفاهیم آنها می‌پردازیم، این جنایات با تاکید بر اینکه چگونه اصول مندرج در قوانین حقوق بشر را به طور جدی نقض می‌کنند حیات که یک حق است. تاثیر زیادی روی حقوق بشر می‌گذارد اشاره خواهیم کرد.

اقداماتی مانند قتل کشتار خشونت گسترده مستقیماً این حق را هدف قرار می‌دهد مثال:

الف: محروم کردن افراد از استحقاق خود. (DeGuzman et al., 2011)

ب: در ارتکاب جنایت علیه بشریت یکی از حقوقی که تضییع می‌شود حق است.

ج: به آزادی و امنیت شخصی همچون: اعمال آدم ربایی، ناپدید شدن اجباری، بازداشت‌های سیستماتیک، نه تنها آزادی را نقض می‌کند بلکه باعث ایجاد حس ترس و ارباب در جوامع متعصب از این اقدامات می‌شوند. جرائمی مانند شکنجه و سایر اعمال غیر انسانی مستقیماً با حق رهایی از رفتار یا مجازات تحقیرآمیز در تضاد است.

چ: وارد کردن صدمات جسمی یا روانی عمدی، حیثیت افراد را تضعیف می‌کند و هنجارهای شناخته شده جهانی حقوق را به طور آشکار نقض می‌کند.

ح: عواملی مانند نژاد، مذهب، ملیت یا وابستگی سیاسی، چنین اقداماتی مستقیماً نقض می‌شود.

مفاهیم حقوق بشر

این کاوش دیدگاه حقوق بشر، اساساً به دنبال روشن کردن این موضوع است که چگونه جنایات علیه بشریت هسته اصلی اصول حقوق بشر را به چالش می‌کشد. این امر بر ضرورت پاسخی هماهنگ برای عدالت ایمن پاسخگویی و بازگرداندن حیثیت برای کسانی که از دست عاملان آسیب دیده‌اند تاکید می‌کند. (AR ۲۰۱۷, Nasution).

از این رو می‌توان به:

- چالش‌های معاصر: در دنیای امروز پیشگیری و تعقیب جنایات علیه بشریت با طیف وسیعی مواجه است. چالش‌هایی که هم اثر بخشی چارچوب‌های قانونی و هم تعهد جهانی را آزمایش می‌کند.
- چالش‌های حوزه قضایی: یکی از چالش‌هایی که مربوط به رسیدگی به جرائم علیه بشریت در شبکه پیچیده‌ای از مسائل قضایی پیرامون خود در حال حرکت است. پیگرد قانونی عدالت خواهی برای این جرائم با موانعی مواجه می‌شود که از محدودیت‌ها می‌گذرد.
- محدودیت‌های صلاحیت جهانی: اگر چه دادگاه کیفری بین‌المللی (icc) در تعقیب جنایات علیه بشریت نقشی ایفا کرده است. اما صلاحیت آن فراگیر نیست.
- کشورهای غیر عضو و صلاحیت: اثر بخشی تلاش‌ها بیشتر به دلیل واقعیت است که همه کشورها اساسنامه رم را تصویب نکرده و یا به عضویت آن در نیامده اند. (Jallohet al., 2012)
- حاکمیت دولت و مرزهای سرزمینی: جنایات علیه بشریت اغلب در داخل قلمرو یک کشور اتفاق می‌افتند. که این موضوع را هنگام بررسی صلاحیت قضایی، امری حساس می‌کند. برخی کشورها در برابر مداخله خارجی بر اساس مفاهیم حاکمیت مقاومت می‌کنند. بنا بر این موانع از پیگیری عدالت برای اعمالی می‌شوند که عمیقاً وجدان را شوکه می‌کند.

- ملاحظات سیاسی و پویایی قدرت: تلاش برای عدالت می تواند تحت تاثیر عوامل و گویایی قدرت باشد. ایالت ها یا نهاد های قدرتمند ممکن است از افراد در برابر بازداشت محافظت کنند.
(Geras, N. 2013).
- مکملیت و ظرفیت های ملی: اصل مکملیت در نحوه عملکرد دیوان بین المللی کیفری نقش دارد زیرا بر توانایی و تمایل نظام حقوقی برای رسیدگی به جنایات علیه بشریت تکیه دارد. نهاد های قضایی ضعیف و فاسد، چهارچوب های قانونی ناکافی و بی ثباتی سیاسی می تواند مانع از پیگرد قانونی شود و در نتیجه محیطی ایجاد شود که مجرمان بدون مجازات بمانند.
- چالش های صلاحیت فراتر از مرزها: برخی از دولت ها سعی می کنند اقتدار خود را بر جنایات علیه بشریت نشان دهند که توسط افراد غیر اتباع در کشورها انجام می شود. این رویکرد می تواند با موانع دیپلماتیک مواجه شود زیرا شامل هدایت سیستم های حقوقی و درگیری های احتمالی با صلاحیت سایر ملل و پرداختن به این چالش ها مستلزم تعادل بین اصول بین الملل و احترام به آن است که ممکن است با قوانین و حاکمیت دولت ها مقابله کند تا تقویت شود مسائل قضایی مانع از پیگیری عدالت برای جرایم علیه بشریت نمی شود. (Lattimer et al., 2003)
- حاکمیت دولت و عوامل سیاسی: یکی از چالش های مقابله با جرایم علیه بشریت از تعامل بین حاکمیت دولت و ملاحظات سیاسی ناشی می شود. این روابط پیچیده موانعی را برای پیشگیری، تعقیب و پاسخ موثر ایجاد می کند.
- نگرانی در مورد حاکمیت: حاکمیت دولت که یک اصل در روابط بین الملل است، اغلب با ضرورت مداخله در پرونده های مربوط به جنایات علیه بشریت در تضاد است. ایالات علاقه مند به حفاظت از خودمختاری خود، ممکن است با ادعای اینکه حل و فصل مسائل صرفا تحت صلاحیت آنهاست، در برابر مداخله مقاومت کنند. چنین مقاومتی می تواند مانع از تلاشهایی شود که هدف آنها پاسخگو بودن مجرمان است و مانع اجرای عدالت برای قربانیان می شود. موضوع مداخلات توافقی، چه نظامی باشد و چه قضایی، سوالات پیچیده ای را در مورد احترام به آن مطرح می کند. (Hussain et al., 2023).
- فقدان اراده سیاسی: اغلب، فقدان اراده برای پاسخگویی مرتکبین در قبال جنایات وجود دارد، علیه بشریت، چه در سطح بین المللی، ملاحظات سیاسی، روابط و نگرانی در مورد مناطق می تواند بیمیلی برای پیگیری عدالت ایجاد کند. در نتیجه کسانی که مسئول هستند در این جرایم می توانند از مجازات بگریزند.
- نگرانی های امنیتی: در مناطقی که تحت تاثیر درگیری قرار دارند، جایی که جنایات علیه بشریت ممکن است رخ دهد، نگرانی های امنیتی اغلب مانع اجرای آن می شوند. ماهیت ناپایدار محیط ها می تواند تلاش ها را دلسرد کند و کار جمع آوری شواهد را برای سازمانهای محری قانون چالش بر انگیز کند. مرتکبین ممکن است از این نا امنی برای ادامه اقدامات خود بدون ترس از تعقیب قضایی سو استفاده کنند.
- چالش های همکاری بین المللی: همکاری بین دولت ها و سازمان های بین المللی برای اطمینان از پاسخگویی ضروری است. (Khan et al., 2021).
- مذاکرات صلح: عوامل ژئوپلیتیکی می توانند بر مذاکرات صلح تاثیر بگذارند، جایی که پیگیری عدالت برای جنایات علیه بشریت با نیاز به برقراری ثبات و حل منازعات رقابت می کند. ایجاد تعادل بین اهداف ممکن است مستلزم سازش هایی باشد که یافتن راه حل ها را بر پاسخگویی ترجیح می دهد که متأسفانه چرخه معافیت از مجازات را تداوم می بخشد. (Khan et al., S., 2023)

- روابط دیپلماتیک : وقتی صحبت از عدالت خواهی برای جنایات علیه بشریت می شود فقط اینطور است که گاهی برای روابط فیما بین اتهامات نقض حقوق بشر می تواند باعث ایجاد تنش بین آنها شود. کشورها می توانند آنها را در حمایت از ابتکاراتی که ممکن است متحدان آنها را تحت تاثیر قرار دهد مردد کند.
- پویایی شورای امنیت: شورای امنیت سازمان ملل متحد در رسیدگی به جنایات علیه بشریت نقش دارد با این حال پویایی در شورای امنیت به ویژه در مورد استفاده از حق وتو ،گاهی اوقات می تواند به موانعی تبدیل شود که مانع از اقدام شود. ملاقات سیاسی در میان اعضای آن نیز ممکن است مانع از پذیرش قطعنامه هایی که با هدف تضمین پاسخگویی شود.
- نفوذ قدرت های بزرگ: مهم است که اذعان کنیم که قدرت های بزرگ در امور و محاسبات ژئوپولیتیک آن نفوذ دارند . آنها می توانند نحوه واکنش به جنایات علیه بشریت را شکل دهند. عدم تمایل کشورها به حمایت یا تاکید مداخلات می تواند تلاش ها را تضعیف کند رسیدگی به جرایم هنگامی که جنایات علیه بشریت رخ می دهد، اغلب منجر به آوارگی و بحران پناهندگان می شود این پیچیدگی زمانی به وجود آید که دولت های مختلف بر اساس ملاحظات خود با سطوح متفاوتی از سیاست های کمک رسانی یا محدودیت های پناهندگی پاسخ می دهند این امر برای کسانی که تحت تاثیر این جنایات قرار گرفته اند پیچیده تر می شود. رسیدگی به جنایات علیه بشریت از طریق ائتلاف ها می تواند یک وظیفه باشد زیرا کشورهای مختلف در داخل ائتلاف اغلب موانع ژئوپولیتیک خود را دارند. این می تواند آن را چالش برانگیز کند هماهنگ کردن پاسخ که به نوبه خود مانع از اثربخشی ابتکارات می شود به منظور پیشگیری و رسیدگی موثر به جنایات علیه بشریت درک آن ضروری است و از پیچیدگی ها عبور کند. تلاش های بین المللی باید برای ایجاد تعادل بین عدالت خواهی و در نظر گرفتن ماهیت سیاست راه حل های ارائه شده باید مسئولیت پذیری افراد را در اولویت قرار دهید و در عین حال عوامل موثر را نیز در نظر بگیرید. (Ayeni et al., 2022)

پیشگیری از قساوت جمعی جلوگیری از جنایات جمعی

پیشگیری از قساوت جمعی جلوگیری از جنایات جمعی مانند جنایات علیه بشریت برای ما مهم است که در این بخش به بررسی جنبه های آن می پردازیم.

۱. سیستم های هشدار اولیه : تشخیص به موقع تهدیدها و واکنش سریع برای جلوگیری از جنایات، حیاتی است.
 ۲. تعامل سیاسی : دیپلماسی در جلوگیری از جنایات توده ای نقش دارد. (Islam et al., 202۲)
 ۳. آموزش حقوق بشر و حمایت: ترویج آموزش حقوق بشر و حمایت از حفاظت از آنها رویکردی برای جلوگیری از جنایات جمعی و ایجاد یک فرهنگ پرورشی است.
- اصل مسئولیت حفاظت (R2P) بر تعهد جامعه برای پیشگیری تاکید می کند که دولت ها چه به صورت فردی و چه جمع ، باید مسئولیت خود را برای محافظت از مردم در برابر نسل کشی، جنایات جنگ ، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت انجام دهند برای جلوگیری از جنایات به طور موثر در مقیا ، تقویت مکانیزم هایی مانند تقویت ظرفیت دادگاه هایی مانند دیوان کیفری بین المللی (icc) مهم است تا آنها بتوانند مسئولین این اعمال را مسئول بدانند.
- هنگامی که عواقب قطعی وجود دارد، به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می کند. به پرورش فرهنگ مسئولیت پذیری کمک می کند. اجرای تحریم ها و اقدامات هدفمند علیه افراد یا نهادهایی که در جنایات توده ای دخیل هستند یا از آنها حمایت می کنند می تواند به عنوان یک ابزار عمل کند.
۴. هماهنگی در مقیاس جهانی: جلوگیری از جنایات جمعی مستلزم تلاش بین کشورها است.

در این بحث به جنایت علیه بشریت در جنگ اوکراین و روسیه اشاره می‌کنیم. قتل: بر این اساس، محرومیت از حق حیات در قالب قتل غیرنظامیان هنگامی که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر غیرنظامی با آگاهی از این حمله انجام می‌شود جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. در چهارچوب جنگ روسیه و اوکراین، تعداد زیادی از افراد کشته شده در درگیری از جمله در آن میان غیرنظامیان گزارش شده است. علاوه بر این در اوایل ۲۰۲۲ اولین گزارش‌ها در مورد تعداد بسیار زیادی از غیرنظامیان کشته شده در روستای بوچا در منطقه کیف در رسانه‌ها ظاهر شد گفته می‌شود که نیروهای روسیه نه تنها به منزله نقض حق زندگی در داخل خواهد بود، بلکه شکل کشتار گسترده فراقانونی اما بدون شک جنایت علیه بشریت نیز محسوب می‌شود.

نابودی: شرایط زندگی از جمله محرومیت از دسترسی به غذا و دارو است که برای از بین بردن بخش محاسبه می‌شود از یک جمعیت این جنایت اساساً شامل ایجاد شرایط مرگبار زندگی به میزان تار گسترده است و گروه‌هایی از افراد را هدف قرار می‌دهند در حالی که هیچ اطلاعاتی وجود ندارد که به وضوح نشان دهد در درگیری در اوکراین گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی به عنوان یک استراتژی عمدی مورد استفاده قرار گرفته است با این وجود باید توجه داشت که تخریب گسترده اشیاء لازم برای بقای غیرنظامی یا محاصره طولانی مدت یک شب همراه با امتناع از تخلیه جمعیت غیرنظامی از طریق کوریدورهای بشردوستانه و ایمن و ارائه یا امکان رساندن کمک‌های ایمن و بشردوستانه به این جمعیت ممکن است که به عنوان نشانه‌ای از توسل به حسن راهبردی باشد. این رفتار انسان دوستانه ممکن است به نفع روسیه باشد.

۳. اخراج یا انتقال اجباری جمعیت

۴. حبس یا سایر محرومیت‌های شدید از آزادی جسمانی

۵. شکنجه

۶. جرایم جنسی

مسئولیت کیفری فردی برای کمیسیون جرایم اصلی دیوان کیفری بین‌المللی به محاکمه و مجازات افراد می‌پردازد، نه دولت‌ها. این مربوط به مسئولیت فردی است و نه دولتی جنایات علیه حقوق بین‌الملل توسط مردان مرتکب می‌شوند نه توسط نهادهای انتزاعی و تنها با مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند. نمونه بارز آن مورد آدولف آیشمن قاتل صندلی راحتی است که هزاران نفر را بدون دست گذاشتن روی یک قربانی به قتل رساند. زیرا ماده ۲۵ اساسنامه رم پایه و اساس افراد را ایجاد می‌کند. در خاتمه ماده ۲۵ یک چهارچوب جامع معاصر برای مسئول دانستن افراد برای جنایات اصلی، از جمله جرایم ارتكابی توسط نمایندگان و تصمیم‌گیرندگان دولت روسیه، ارائه می‌کند. کاربرد آن بر اهمیت مسئولیت‌پذیری فردی در حقوق بین‌الملل تاکید کند و راهی را به سوی عدالت برای قربانیان جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت ارائه می‌کند. با این حال همانطور که یک ناظر واقع بین می‌گوید پیگرد موفقیت آمیز این جنایات به طور قابل درک مستلزم غلبه بر موانع حقوقی، شواهد و سیاسی قابل توجهی است که نیاز به همکاری قوی بین‌المللی و حمایت از مأموریت دیوان بین‌المللی کیفری را برجسته می‌کند. با این حال باید توجه داشت که بدون مشارکت چندین کشور و سازمان‌های پیشرو مانند سازمان ملل، این مشکل می‌تواند بسیار گسترده‌تر شود. بررسی ادبیات نشان می‌دهد که هیچ کشور یا سازمان بین‌المللی نتوانسته است مکانیزم موثری برای جلوگیری از خشونت جنسی ناشی از تعارض که در عمل تاثیر قابل توجهی داشته باشد، ضروری است.

دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق برای اولین بار ۳ عضو شبه نظامیان صرب بوسنی را در جریان درگیری ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۲ در بوسنی فعالیت می‌کردند (دادستان علیه کوناچ کواچ و وکوویچ) را به اتهام تجاوز جنسی به عنوان جنایت علیه بشریت محکوم کرد علاوه بر محکومیت سلب آزادی و شکنجه به عنوان جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی متعدد. گرجستان و آلمان به عنوان کشورها ی تصویب کننده کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول، ۲۰۱۱) موظف به تبعیت از این معاهده بین‌المللی و بر این اساس قوانین ملی خود را اصلاح می‌کنند. با این حال، اینکه آیا آنها این تعهد را در رابطه با اصلاح قانون خشونت جنسی در قوانین ملی خود

انجام داده اند یا تا چه اندازه موضوع بررسی این مقاله است که کاستی ها و نادرستی های کلی را روشن می کند. اگرچه گرجستان در سال های اخیر گام های مهمی برای بهبود چارچوب قانونی خود برای حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی و سایر اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت برداشته است، درک گمراه کننده از ماهیت تجاوز جنسی به دلیل نادرست بودن آن همچنان یک چالش است. عبارت در قانون جزا این تصور نادرست، تحقیقات و تعقیب کیفری را وادار می کند تا با اتخاذ رویکردی رسمی و قدیمی نسبت به جرایم جنسی، که ابزار دفاعی مؤثری برای قربانیان فراهم نمی کند، پرونده را بدون صلاحیت ادامه دهند. به عبارت دیگر، قوانین همچنان از الزامات کنوانسیون استانبول برای تجاوز به عنف و سایر جرایم خشونت جنسی با اشاره به تعریف، کوتاهی دارند. با توجه به این پیشینه، این مطالعه جرایم جنسی را در قوانین جزایی گرجستان و آلمان، و همچنین در حقوق بین الملل، در تلاش برای شناسایی بهترین شیوه ها برای تنظیم جرایم جنسی و تشویق تجدید نظر در مفهوم چالش برانگیز رضایت در جرایم جنسی مورد بررسی قرار می دهد. در آغاز این تحقیق مهم، آلمان به دلیلی خاص به عنوان معیار برای مقایسه انتخاب شد. همانطور که به طور گسترده پذیرفته شده است، این هدف از مطالعه تطبیقی است که انتخاب حوزه های قضایی را برای مقایسه هدایت می کند. به همین ترتیب، انتخاب آلمان به دلیل نقش منحصر به فرد آن در توسعه قوانین جزایی گرجستان مشخص شد.

مفهوم جنسی : خشونت (تجاوز به عنف) در قوانین آلمان، که در آن باید تغییرات شدید در قانون جرایم جنسی برای انطباق با کنوانسیون استانبول ایجاد می شد، می توانست به عنوان انگیزه ای برای قانونگذاران گرجستان برای اصلاح قانون ملی عمل کند. این مقاله به خواننده اجازه می دهد تا شباهت های بین این دو قانون در مورد جرایم جنسی را از نزدیک مشاهده کند و قانونگذاران گرجستان، حمایت کنندگان و پذیرندگان قانون کیفری آلمان را تشویق می کند تا در مورد اصلاحات اجتناب ناپذیر قانون گرجستان در مورد این موضوع فکر کنند. اما این فرآیند نیازمند تحلیل ها و ارزیابی های ویژه ای است که در این پژوهش نیز پیش بینی شده است. تنها پس از بررسی انتقادی قانون آلمان، این امکان برای گرجستان وجود دارد که پیش نویس قدرتمندی را که تغییراتی را در مورد موضوع مربوطه پیشنهاد می کند، توضیح دهد نتیجه ای که هدف اصلی این مقاله را تشکیل می دهد. از آنجایی که گرجستان هنوز مقررات مؤثری برای تعریف، تعقیب و مجازات تجاوز جنسی و خشونت جنسی به عنوان اشکال تبعیض علیه زنان ایجاد نکرده است، هدف این تحقیق کمک به قانونگذاران و قوه قضائیه گرجستان در پرداختن به وظایف ذکر شده از طریق تحلیل مقایسه ای است. مورد اخیر با بررسی چارچوب های حقوقی بین المللی و آلمانی و تجربه در موضوعات مرتبط به دست آمده است. قطعنامه شماره ۲۰۱۹ که در آوریل ۲۰۱۹ توسط شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد، گام مهمی در مبارزه با خشونت جنسی ناشی از درگیری بود سازمان ملل متحد از طرفین می خواهد که خشونت جنسی را در شرایط درگیری و پس از جنگ جرم انگاری کنند و مقررات عفو را به جرایم مذکور تامين ندهند. در این سند آمده است که خشونت جنسی مرتبط با درگیری در میان انبوهی از تظاهرات در هم تنیده و مکرر علیه زنان رخ می دهد. خشونت جنسی ناشی از درگیری به طور تصادفی از خشونت جنایی عمومی متمایز نمی شود و یک طبقه متمایز از جرایم را تشکیل می دهد این در شرایط یک درگیری مسلحانه انجام می شود که نمی توان آن را نادیده گرفت. درک علل ریشه ای در برخورد وثر و پیشگیری از خشونت جنسی در موقعیت های درگیری بسیار مهم است. محققان تشخیص می دهند که علل خشونت جنسی در موقعیت های درگیری متنوع است و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است ما معتقدیم که دلایلی که خشونت جنسی در چهارچوب درگیری انجام شده است نمی تواند بر مسئولیت آن تاثیر بگذارد با بررسی عوامل منحصر به فرد فرهنگی اجتماعی اقتصادی سیاسی موجود در منطقه درگیری، محققان می توانند

درک دقیق‌تری از علل زمینه‌ای به دست آورند. با این حال خشونت جنسی در مناطق خاصی می‌تواند سیاست‌ها و برنامه‌هایی را با هدف پیشگیری و پاسخ به خشونت جنسی در مناطق درگیری ارائه دهد. نتیجه‌گیری رویدادهای جهانی اخیر که با افزایش قابل توجه تجاوزات بین‌المللی رویارویی و بی‌توجهی به اصول حاکمیت قانون مشخص می‌شود منجر به این شده است که خشونت جنسی مرتبط با درگیری‌ها به دیگر نمی‌تواند نتیجه اجتناب ناپذیر جنگ تلقی شود چنین اعمال وحشیانه‌ای به عنوان تاکتیک‌ها و استراتژی‌های جنگی استفاده می‌شود که اغلب برای اعمال شکنجه، تحقیر و آزار قربانیان استفاده می‌شود. این امر نیاز فوری به مقررات قانونی را نشان می‌دهد. از جمله خشونت جنسی می‌توان به خشونت علیه زنان اشاره کرد. مفهوم مجدد تجاوز به دلیل تصویب کنوانسیون استانبول، احکام اساسی دادگاه و دادگاه‌های بین‌المللی در مورد جرم انگاری و تعقیب تجاوز جنسی، و تلاش‌های انجام شده توسط کمیته سازمان ملل متحد برای رفع تبعیض علیه زنان به یکی از موضوعات اصلی تبدیل شده است. که اعمال غیر توافقی با ماهیت جنسی را جرم انگاری می‌کند ضمن اینکه رضایت را عنصر سازنده حکم می‌داند دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا، به رسمیت شناختن یک عمل جنسی به عنوان تجاوز جنسی در موقعیت سوء استفاده از شرایط قهری توسط مجرم و دلالت بر رضایت قربانی از آمیزش جنسی دارد در صورتی که شرایط موجود امکان رضایت داوطلبانه را ممنوع کرده باشد ممکن است واقعی تلقی نشود کوت قربانی یا عدم مقاومت به معنای رضایت قربانی نیست این درک از تجاوز به عنف را می‌توان با ماده ۶ کنوانسیون استانبول نیز پشتیبانی کرد که مستلزم استفاده از دیدگاه جنسیتی در طراحی و ارزیابی اقدامات انجام شده برای اجرای آن است. در دو دهه اخیر، حساسیت قابل توجهی در جامعه آلمان در مورد فشارهای ساختاری و ضمنی بر زنان وجود داشته است که در قانون آلمان و گرجستان مجبور به تحمل رفتار جنسی ناخواسته بوده‌اند. از جمله قوانینی که اسرائیلی‌ها برای تاسیس کشور یهودی به نام قانون اساسی وضع کرده‌اند قوانین یهودیت از بدو تولد و قانون شهرک نشینی و قانون مهاجرت و ملیت است که برای تکمیل این قوانین به زور متوسل می‌شوند. برای مثال آوارگان فلسطینی از جمله آنهایی که در فلسطین متولد شده‌اند و مجبور به ترک وطن شده‌اند. یا به عنوان یک استعمارگر در هر قسمت از فلسطین تاریخی و شهروندی خودکار توسط اسرائیل و مزایای کامل ملیت یهودی در قانون اساسی سلسله مراتبی آن سیستم این شامل دسترسی به زمین، مسکن و خدمات اجتماعی در سطحی است که غیر یهودیان بومی، حتی برای آنها که تابعیت دارند از آن برخوردار نیستند. در واقع ماهیت استعماری این رژیم در تحمیل هویت قانون اساسی یهودی اسرائیلی بر همه فلسطینی‌ها در قطع رابطه آنها با فلسطینیان مشهود است. کنوانسیون بین‌المللی برای حذف نژاد و نژادپرستی در چهارچوب استعمار اسرائیل در فلسطین اولین معاهده جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در تلاش می‌باشد. کشتار و نسل‌کشی از جمله جنایات اسرائیل در سال‌های اشغال خود است که می‌توان به توقف و غرامت آنها را محکوم کرد.

آپارتاید: به عنوان مثال تعداد فزاینده‌ای از سازمان‌های غیردولتی این موضوع را در فلسطین اشغالی در نظر گرفته‌اند که از سال ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل است، جمعیت سرزمین فلسطین در معرض آپارتاید است. نتیجه‌گیری‌هایی مبنی بر اینکه سرزمین اشغالی فلسطین تحت آپارتاید است، امروز توسط دارندگان ماموریت منصوب شده توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد (سازمان ملل) ای مقابله با انسان‌ها به اشتراک گذاشته می‌شود. نقض حقوق در فلسطین و جاهای دیگر این مقاله نشان داده است که آپارتاید و اشغال متقابل نیستند، انحصاری، اما در عوض، آنها نهادهای حقوق بین‌المللی هستند که می‌توانند به طور همزمان اعمال شوند در حالی که قانون اشغال ذاتاً با ملاحظات سرزمینی و حفظ حاکمیت ارزی، آپارتاید بر اساس حقوق بین‌الملل حقوق بشر و حقوق کیفری بین‌المللی به افراد، حقوق و وظایف آنها بر اساس حقوق بین‌الملل مربوط

می‌شود. موقعیت‌های اشغالی متأسفانه خاک حاصلخیز برای نقض حقوق افراد و گروه‌ها است به ویژه در چهارچوب یک درگیری مسلحانه ایجاد می‌شوند. در طول اشغال، قدرت اشغالگر دشمن وظیفه اداره یک سرزمین و جمعیت ساکن در آن را در چهارچوبی خصمانه دارد می‌تواند منجر به اتحاد سیستم‌های تبعیض آمیز و تفکیک شود. طبق تعریف، آپارتاید را می‌توان به عنوان انحرافی از حکمرانی خوب که باید در ایالت با در نظر گرفتن رفاه شهروندان رخ دهد، در نظر گرفت. زیرا یک گروه نژادی خاص را حذف و هدف قرار می‌دهند. این واقعیت که مورد دوم می‌تواند در محیط اول رخ دهد، بعید نیست. حقوق بین الملل هیچ مانعی برای اعمال آپارتاید و تعقیب عاملان آن در سرزمین‌های اشغالی ایجاد نمی‌کند.

الف: چهارچوب بندی آپارتاید اسرائیل رژیم آپارتاید اسرائیل محور بیان حقوقی و قانون اساسی پروژه استعماری صهیونیسم در فلسطین است شهرک نشینی استعمار ستون اصلی ایدئولوژیک است که آپارتاید به عنوان یک ساختار مشتق و اجرا کننده از آن سرازیر می‌شود که با منطق تسخیر و استعمار، نژادسازی و جایگزینی تعریف می‌شود یک دولت مستعمره نشین، معمولاً یک دولت نژادی است. آپارتاید به وضوح از همان ابتدا از طریق تابعیت دولت اسرائیل به اجرا درآمد ملیت و قوانین مهاجرت، رژیم‌های زمین و دارایی و نظامی داخلی آن رژیم اضطرابی حاکم بر اقلیت فلسطینی‌هایی که در جریان نقبه پاکسازی قومی نشده و تابعیت اسرائیل را به دست آورده بودند. به طور قابل توجهی، سال ۲۰۲۱ به عنوان سال آپارتاید اسرائیل توصیف شده است به دلیل سلی از گزارش‌ها و مداخلات برجسته در پیشبرد آپارتاید نقد در این زمینه، علمای فلسطینی این موضوع را تعیین کننده کرده‌اند. استدلال‌هایی مبنی بر اینکه سنت‌های رادیکال تر سیاست ضد آپارتاید فراتر از حقوق بین الملل نیز باید به هدایت تلاش‌های آزادی بخش فلسطین و جنبش ادامه دهند. اجتماع گسترده در مورد آپارتاید اسرائیل در فاصله کمی بیش از یک سال از دو طرف سال ۲۰۲۱ ازمان‌های حقوق بشر اسرائیلی و سازمان‌های بین‌المللی دیده‌بان حقوق بشر، دیاکو نیا و عفو بین الملل همگی گزارش‌هایی در مورد حفظ رژیم آپارتاید یا ارتکاب جنایات آپارتاید توسط اسرائیل تهیه کردند. اداره امور مذاکرات طرح نیز مطالعه خود را منتشر کرد و به این نتیجه رسید که آپارتاید است. گزارش آوریل ۲۰۲۱ سازمان دیده‌بان حقوق بشر به ویژه یکی از بزرگترین و محافظ کارترین سازمان‌های حقوق بشر در جهان نشانگر این بود که تحلیل اسرائیل چگونه به جریان اصلی تبدیل شده است. این مداخله مصادف شد با وقوع انتفاضه وحدت و یک اعتصاب عمومی تاریخی در سراسر فلسطین در ماه مه ۲۰۲۱ نقطه عطفی که در آن فلسطینیان دوباره جغرافیای محکمی از مردم را آشکار کردند. هرچند که شهرک نشینان اسرائیلی جدایی و تقسیم را تحمیل کردند. مشاهدات حاکی بر این است که اسرائیل در قوانین اساسی خود خود را به عنوان «دولت قوم یهود» تعریف می‌کند که حق تعیین سرنوشت برای «مردم یهود منحصر به فرد» و «یهودیان» است. در سال ۲۰۲۱ وجود دریای مدیترانه، تقریباً نیمی از ساکنان آن را یهودی نمی‌دانند و ه همین دلیل در این بیان تعلق قانون اساسی گنجانده نشده‌اند. تقریباً ۶٫۸ میلیون یهودی اسرائیلی در سرزمین علیه فلسطینیان و میلیون فلسطینی (که ۱٫۶ میلیون شهروند اسرائیل هستند) زندگی می‌کنند. به عنوان یک گروه نژادی، به منظور حفظ سلطه بر آنها به نفع یهودیان اسرائیلی علیه فلسطینیان زندگی می‌کنند که ثابت می‌کند رژیم آپارتاید است. اقداماتی از قبیل مستعمره سازی شهرک نشینان، خلع ید و آواره کردن فلسطینیان و نداشتن حق امتیازات قانونی، دادن امتیازات قانونی به رژیم استعماری آپارتاید، دادن قانون‌های خاصی به یهودیان اسرائیلی را می‌توان نام برد.

لیست پرونده‌های تاثیرگذار که به طور خلاصه به آنها می‌پردازیم.

۱. راتکو ملودیچ:

دادگاه: کیفری بین المللی برای یوگسلاوی و یوگسلاوی سابق

اتهامات: نسل کشی جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی

جزئیات: از جمله کشتار صربستانی‌ها که بیش از ۷۰۰۰ مسلمان بوسنیایی کشته شدند متهم شد محاکمه او در سال ۲۰۱۲ آغاز شد و با یک حبس ابد در سال ۲۰۱۷ به پایان رسید ه لحظه‌ای مهم در رسیدگی به جنایات دوران جنگ بالکان بود.

۲. بوسکو انتاگاندا:

دادگاه: کیفری بین المللی ICC

اتهامات : جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت

متاگاندا در سال ۲۰۱۹ به دلیل مشارکت در جنایات انجام شده در جمهوری دموکراتیک کنگو از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ از جمله قتل تجاوز جنسی و استفاده از کودکان سرباز محکوم شد پرونده او مسائل مربوط به پاسخگویی رهبران درگیر درگیری های مسلحانه را برجسته کرد.

۳. توماس لوبانگا دیبلو :

دادگاه : ICC

اتهامات : جنایات جنگی مربوط به استخدام کودکان عنوان سرباز

جزئیات : در جریان درگیری هایی در جمهوری دموکراتیک کنگو محکوم شد پرونده او بر تعهد جامعه بین المللی برای رسیدگی به مسئله جدی کودکان سرباز تاکید کرد.

۴. عمر البشیر :

دادگاه : ICC

اتهامات : نسل کشی جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت

جزئیات : به عنوان اولین رئیس دولت که در سال ۲۰۰۹ توسط دیوان کیفری بین المللی کیفرخواست صادر شد،البشیر با اتهامات مربوط به اقدامات خود در جریان درگیری دارفور مواجه است. پرونده او قابل توجه است زیرا سابقه ای برای تعقیب مقامات عالی رتبه به دلیل جنایات جدی بین المللی ایجاد کرد.

۵. الحسن آگ عبدالعزیز :

دادگاه : ICC

اتهامات : جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی

جزئیات : در سال ۲۰۲۴ الحسن به دلیل شکنجه و آزار و شکنجه در جریان تصرف تیم بوکتو توسط گروه های مسلح محکوم شد این پرونده نمونه قابل توجهی از آزار و شکنجه جنسیتی است که در دادگاه کیفری بین المللی مطرح شده است.

۶. دوشکو تادیچ :

دادگاه : ICC

اتهامات : جنایت علیه بشریت

جزئیات : از جمله خشونت جنسی جزئیات محاکمه تادیچ تاریخی بود زیرا اولین محاکمه بین المللی جنایات جنگی بود. از زمان جنگ جهانی دوم،شامل اتهامات خشونت جنسی علیه مردان می شود محکومیت به ایجاد سابقه قانونی برای رسیدگی به خشونت جنسی در این کشور کمک کرد.

۷. ژرمن کاتانگا :

دادگاه : ICC

اتهامات : جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت

جزئیات : گاتانگا به دلیل نقش داشتن در حمله به روستایی در اینطوری دی آر سی محکوم شد که شامل خشونت و قتل جنسی بود رنده او مسائل خشونت جنسی و جنسیتی در جریان درگیری های مسلحانه را برجسته کرد. در اینجا به بحث محاکمه عمر البشیر به جرم نسل کشی در رادرفورد می پردازیم .نظام عدالت کیفری بین المللی با یک مانع بزرگ در پیگرد قانونی عمر البشیر، رئیس جمهور سابق سودان، به جرم نسل کشی در دارفور مواجه است. پس از شروع در سال ۲۰۰۳ بحران دارفور منجر به میلیون ها آواره و صدها هزار نفر به دلیل جنایات گسترده ای مانند تجاوز جنسی، شکنجه و اعدام های دسته جمعی شده است. البشیر به دلیل جنایات جنگی،جنایات علیه بشریت و نسل کشی از دادگاه کیفری بین المللی آی سی سی حکم بازداشت دارد. علاوه بر این، موانع سیاسی قابل توجهی برای پیگرد قانونی البشیر وجود داشته است. البشیر قدرت و نفوذ قابل توجهی در سودان داشت و کنترل محکمی بر دولت، سیستم قضایی و نیروهای امنیتی داشت. اقتدارگرایی، سرکوب و

مصونیت از مجازات نمونه حکومت او بود و مخالفت با آن یا مسئول دانستن او برای وحشتی که در دارفور انجام شد را برای کشور های همسایه دشوار کرد.

خشونت و ویرانی در منطقه دارفور در غرب سودان بیداد می کند از فوریه ۲۰۰۳ شبه نظامیان حمایت دولت که به نام جنجاوید شناخته می شوند یک کمپین حساب شده کشتار، تجاوز جنسی، گرسنگی و آوارگی در دارفور و بیماری را انجام داده اند. بیش از دو و نیم میلیون نفر خانه های خود آواره شده اند و بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مرز چاد گریخته اند. اکنون بسیاری در کمپ هایی زندگی می کنند که غذا، سرپناه و بهداشت و مراقبت های بهداشتی کافی ندارند. با توجه به مأموریت گسترده دیوان کیفری بین المللی در محاکمه افراد برای جنایات جنگی جنایات علیه بشریت، برخی از دولت ها مشروعیت و اختیارات دیوان کیفری بین المللی ICC را برای مداخله در موضوعاتی که معمولاً تصور می شود در صلاحیت داخلی دولت های مستقل است، زیر سوال برده اند از جمله نسل کشی و تجاوز با وجود این موانع دادگاه کیفری بین المللی آی سی سی همچنان ابزاری برای مبارزه با مصونیت از مجازات و پیشبرد مسئولیت پذیری در سراسر جهان است، اصل مکمل، که مسئولیت اصلی بررسی و تعقیب جنایات بین المللی را به دولت ها می دهد، یکی از تاکتیک هایی برای ایجاد تعادل بین نگرانی های حاکمیتی و نیاز به پاسخگویی است. این ایده ی کند که دادگاه کیفری بین المللی آی سی سی به عنوان آخرین راه حل عمل می کند و تنها زمانی وارد عمل می شود که نظامی های حقوقی ملی ناتوان یا تمایلی به بررسی و طرح اتهام علیه مجرمین نداشته باشد. علاوه بر این رفع موانع پاسخگویی مرتبط با حاکمیت، مستلزم مشارکت دیپلماتیک و همکاری جهانی اس. ابتکارات دیپلماتیک می تواند کمک کند از طریق تشویق گفتمان و ایجاد اجماع در میان دولت ها، شکاف ها را پر کرده و همکاری را در راستای عدالت خواهی ترویج می کند. به منظور کاهش نیاز به مداخله خارجی، ابتکارات برای تقویت چهارچوب های قانونی و افزایش توانایی برای تعقیب جرایم بین المللی توسط نهادهای بین المللی و گروه های غیرولتی کمک زیادی می کند.

گسترش صلاحیت جهانی برای جرایم فرا ملی یکی دیگر از اصلاحات ممکن است. صرف نظر از ملیت قربانی یا مجرم یا محل وقوع حادثه، ایالت ها مجاز هستند افراد را برای جرایم خاص تحت تعقیب قرار دهند. اگر صلاحیت جهانی به نسل کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین المللی تامین داده شود، دولت ها می توانند حتی در مواردی که جنایات هیچ ارتباط مستقیمی با قلمرو یا شهروندان آنها نداشته باشند، متخلفان را مورد بازخواست قرار دهند. این دولت ها می توانند حتی در مواردی که جنایات هیچ ارتباط مستقیمی با قلمرو یا شهروندان آنها نداشته باشد، متخلفان را مورد بازخواست قرار دهند. این امر می تواند تضمین کند که مجرمین پاسخگو هستند و با جلوگیری از فرار آنها به حوزه قضایی دیگر به غلبه بر موانع قضایی کمک کنند. برای ایجاد چهارچوب قانونی قوی تری برای مبارزه با مصونیت از مجازات، دولت ها باید به تصویب و اجرای معاهدات و کنوانسیون های بین المللی مربوط به حقوق کیفری بین المللی، مانند کنوانسیون نسل کشی، اساسنامه رم دیوان بین المللی کیفری، و کنوانسیون های ژنو، اولویت اصلی را بدهند. برای افزایش کارایی حقوق کیفری بین المللی به یک استراتژی چند وجهی نیاز است. این استراتژی باید بر پرداختن به مصونیت ها و مصونیت مجرم، تقویت نظام های حقوقی ملی، گسترش صلاحیت جهانی و تقویت هماهنگی و همکاری دولت ها و سازمان های بین المللی متمرکز باشد. جامعه بین المللی ممکن است با انجام این اصلاحات در عمل به پیشگیری و جلوگیری از جنایات مشابه کمک کند و در عین حال دلایل عدالت، مسئولیت پذیری و حاکمیت قانون را نیز پیش ببرد.

بررسی مکانیزم های جایگزین برای تعقیب رؤسای دولت ها و راه حل ها

برای محاکمه سران کشورها به دلیل جنایات بین المللی که در داخل اختیاراتشان مرتکب شده اند، دولت ها یا سازمان های منطقه ای نیز ممکن است دادگاه های ترکیبی تشکیل دهند که جنبه هایی از قوانین ملی و بین المللی را در بر می گیرد. استفاده از صلاحیت جهانی دادگاه های ملی برای طرح اتهام علیه سران کشورها به دلیل جنایات راملی یکی دیگر از روش های قابل اجرا است، اگرچه ممکن است سران کشورها در نتیجه رویه های عدالت انتقالی مورد تعقیب کیفری قرار نگیرند، اما با این وجود می توانند با دادن حقیقت، شناخت و غرامت به قربانیان را اهداف بزرگتر عدالت، شفا و انسجام اجتماعی حمایت کنند.

برای اطمینان از پاسخگویی و عدالت در مواجهه با مشکلات خاصی که این پرونده‌ها به همراه دارند بررسی رویه‌های جایگزین برای پیگرد قانونی سران دولت‌ها متهم به جنایات فراملی ضروری است. دولت‌ها موظفند به دادگاه‌های بین‌المللی و سایر سازوکارهایی که برای بررسی و تعقیب جنایات بین‌المللی تشکیل شده‌اند کمک کنند. برخی از راه‌هایی که دولت‌ها ممکن است به این مکانیزم‌ها کمک کنند دسترسی به شواهد، تسهیل و دستگیری و تحول مظنونان و اجرای حکم و احکام است. دولت‌ها می‌توانند با رسیدگی به علل ریشه‌ای مانند نابرابری، تبعیض، فساد و کاستی‌های حاکمیتی، در جلوگیری از تکرار جنایات و برقراری صلح و ثبات پایدار کمک کنند. سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند با ارائه پشتیبانی فنی، کمک به میانجی‌گری و آشتی و برنامه‌های صلح‌سازی که علل سیستمی و ساختاری خشونت و درگیری را هدف قرار می‌دهند، به دولت‌ها در این تلاش‌ها کمک کنند. در مواجهه با مصونیت از مجازات جنایات بین‌المللی، پیشبرد عدالت، پاسخگویی و حاکمیت قانون به ارتباط و همکاری مدام بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بستگی دارد. البته علل‌هایی مثل قومیتی ملیتی تعصب دین و ناکارآمدی دولت‌ها یکی از موانعی می‌تواند باشد که با آموزش و مذاکره جامعه جهانی به رفع این موانع مک می‌کند. نتیجه‌گیری برای رسیدگی به چالش‌های حاکمیتی و در عین حال حفظ عدالت و مسئولیت‌پذیری در عرصه بین‌المللی، به یک تلاش واحد جهانی نیاز فوری است. صرف نظر از عوامل سیاسی یا پویایی قدرت، پیگیری عدالت برای قربانیان جنایات جنگی و نسل‌کشی باید بر اساس ارزش‌های انصاف، بی‌طرفی و احترام به حقوق بشر هدایت شود این امر مستلزم یک استراتژی متنوع است که شامل همکاری‌های بین‌المللی بیشتر، اصلاحات قانونی و گسترش دیپلماتیک می‌شود. برای اطمینان از اینکه کسانی که حقوق بشر جدی را نقض می‌کنند مسئول اعمال خود هستند. باید از اقدامات قانونی برای تقویت مکانیسم‌های اجرای معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

جامعه جهانی در مواجهه با جنایات علیه بشریت با وظیفه‌ای مواجه می‌شود که اطمینان حاصل کند عدالت، پاسخگویی و پیشگیری از جنایات. بررسی منشأ فریمورک‌ها، پیامدهای حقوق بشر و چالش‌های امروز ماهیت پرداختن به آن را روشن می‌کند. این جرایم تأمل در مورد عواقب پس از جنگ جهانی دوم و محاکمه نورنبرگ یادآور این نکته است که چرا مقابله با اعمالی که عمیقاً وجدان جمعی ما را شوکه می‌کند ضروری است. این چارچوب قانونی ایجاد شده توسط اساسنامه رم و کنوانسیون‌های بین‌المللی، پایه و اساس تعقیب جنایات علیه بشریت را ایجاد می‌کند. با این حال، موانع به دلیل پیچیدگی‌ها، ملاحظات ژئوپلیتیکی و نگرانی‌های پیرامون حاکمیت دولت به وجود می‌آیند. بسیار مهم است که اذعان کنیم که جنایات علیه بشریت پیامدهای حقوق بشری دارند زیرا مستقیماً حقوقی مانند زندگی، آزادی و آزادی از شکنجه را نقض می‌کنند. عدالت خواهی برای این موارد مستلزم اتخاذ دیدگاه حقوق بشری است که شأن و منزلت هر فردی را به رسمیت می‌شناسد و از آن حمایت می‌کند. چالش‌های امروزی شامل مسائلی مانند عدم اجرای قانون و مصونیت از مجازات ناشی از پیچیدگی‌ها می‌شود - برجسته کردن مبارزه برای پیشگیری و رسیدگی به جنایات علیه بشریت. اعمال انتخابی عدالت، تحت تأثیر عوامل و پویایی‌های پیچیده در روابط، به محیطی کمک می‌کند که مجرمان بتوانند از پاسخگویی فرار کنند.

برای جلوگیری از جنایات، جامعه جهانی باید اقدام کند. این اقدامات شامل راه اندازی سیستم های هشدار، درگیر شدن در بحث ها و پذیرش اصل مسئولیت حفاظت است.

علاوه بر این، ارتقای آموزش در مورد حقوق و حمایت از ابتکارانی که صلح را ایجاد می کند، بسیار مهم است و مشارکت ایجاد کنند. این مراحل همگی در پرورش فرهنگ پیشگیری و پیشگیری ضروری هستند. مقاومت در برابر جنایات برای دستیابی به عدالت برای جنایات علیه بشریت در مقیاس، یک رویکرد مشارکتی ضروری است. این رویکرد باید از اصول حقوق بشر حمایت کند. مکانیسم ها را تقویت کرده و مستقیماً به مسائل پیچیده ژئوپلیتیکی رسیدگی می کند. با مقابله با ریشه علل وقوع این جنایات، با اجرای اقدامات و شناخت مسئولیت خود، می توانیم تلاش کنیم برای ایجاد جهانی که در آن ارتکاب جنایت علیه بشریت غیرقابل تصور است و در آن عدالت در مواجهه با جدی ترین جنایات علیه بشریت پیروز می شود.

منابع

- Atadjanov, R. (2022). Crimes against Humanity. In *International Conflict and Security Law: A Research Handbook* (pp. 1031-1072). The Hague: TMC Asser Press.
- Ayeni, E. O., Andeshi, C. A., & Uzoigwe, M. O. (2022). Misappropriation of Capital Budget and the Challenges of Human Security in Nigeria, 2015-2021. *Traditional Journal Of Law And Social Sciences*, 1(02), 262-273.
- Bassiouni, M. C. (1999). *Crimes against humanity in international criminal law*. Martinus Nijhoff Publishers.
- Bilal, M., & Hussain, Z. (2022). Is IHR Law a protective shell of Racism? A Social Analysis of International Perspective. *Traditional Journal of Law And Social Sciences*, 1(02), 221-233.
- DeGuzman, M. M. (2011). Crimes against humanity. *Research handbook on international criminal law*, Bartram S. Brown, ed., Edgar Elgar Publishing, 2010-9.
- Geras, N. (2013). Crimes against humanity: Birth of a concept. *Crimes against humanity*, 1-144.
- Groenhuijsen, M., & Pemberton, A. (2011). Genocide, crimes against humanity and war crimes. *Victimological approaches to international crimes*, 7-34.
- 28 Journal of Asian Development Studies Vol. 13, Issue 1 (March 2024)
- Hussain, N., Khan, A., & Chandio, L. A. (2023). Legal Safeguards against Mob Justice: An Analysis of Blasphemy Laws in Pakistan and International Human Rights Norms. *Al-Qamar*, 13-26.
- Hussain, N., Khan, A., Chandio, L. A., & Oad, S. (2023). Individual Criminal Responsibility for the Crime of Aggression: The Role of the ICC's Leadership Clause. *Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences*, 11(1), 223-232.
- Islam, S., Maseehullah, M., & Meer, H. (2022). Legal Analysis on Act of Torture based on International Law and its Incorporation into Pakistani law. *Traditional Journal of Law and Social Sciences (TJLSS)*, 1(01).
- Jalloh, C. C. (2012). What makes a crime against humanity a crime against humanity. *Am. U. Int'l L. Rev.*, 28, 381.
- Kanwel, S., Yasmin, T., & Usman, M. (2023). Crime and Human Rights in Pakistan: An Analysis in Light of International Law. *Traditional Journal of Law and Social Sciences*, 2(02), 71

- Khan, A. S., Bibi, A., Khan, A., & Ahmad, I. (2023). Responsibility of Sexual Violence Under International Law. *Journal of Social Sciences Review*, 3(1), 29-41.
- Khan, A., Bhatti, S. H., & Jillani, M. A. H. S. (2021). An overview on individual criminal liability for crime of aggression. *Liberal Arts & Social Sciences International Journal (LASSIJ)*.
- Khan, A., Hussain, N., & Oad, S. (2023). The Rome Statute: A Critical Review Of The Role Of The Swgca In Defining The Crime Of Aggression. *Pakistan Journal of International Affairs*, 6(1).
- Khan, M. I., Nisar, A., & Kanwel, S. (2023). From Punishment to Progress: The Legal Evolution of Criminal Rehabilitation. *Pakistan Journal of Law, Analysis and Wisdom*, 2(02), 556-563.
- Khan, M. I., Shah, S., & Kanwel, S. (2023). Rehabilitation Reconsidered: A Comprehensive Legal Analysis. *Journal of Asian Development Studies*, 12(3).
- Lattimer, M., & Sands, P. (Eds.). (2003). *Justice for crimes against humanity*. Bloomsbury Publishing.
- Nasution, A. R. (2017). Acts of terrorism as a crime against humanity in the aspect Of law and human rights. In *2nd International Conference on Social and Political Development (ICOSOP 2017)* (pp. 346-353). Atlantis Press.
- Pons, W. I., Lord, J. E., & Stein, M. A. (2022). Disability, human rights violations, and crimes against humanity. *American Journal of International Law*, 116(1), 58-95.
- Roberts, C. (2017). On the definition of crimes against humanity and other widespread or systematic human rights violations. *U. Pa. JL & Soc. Change*, 20, 1.
- Robinson, D. (1999). Defining “crimes against humanity” at the Rome conference. *American Journal of International Law*, 93(1), 43-57.
- Schabas, W. A. (2018). Prevention of crimes against humanity. *Journal of international criminal justice*, 16(4), 705-728.
- Skogly, S. I. (2001). Crimes against humanity-revisited: Is there a role for economic and social rights?. *The International Journal of Human Rights*, 5(1), 58-80.
- Tovar, M., & Lin, L. S. (2022). The Politics of Sexual Violence and Subhuman Conditions: The Case of Bosnia and Rwanda. *Traditional Journal Of Law And Social Sciences*, 1(02), 17-27.